

این فیلم نیز مانند سایر فیلم‌های مشابه در نهایت دو هدف اصلی را در ساحت ایدئولوژیک دنبال می‌کنند، مشروعیت بخشی به دخالت نظامی امریکا در افغانستان و بر ساخت ایماژی قهرمانانه از نیروی نظامی امریکایی و اقدامات جنایتکارانه دولت امریکا

«۱۲ قدرتمند» فیلمی اکشن/درام است که در سال ۲۰۱۸، توسط کمپانی برادران وارنر و به کارگردانی نیکولای فوسی تولید و منتشر شده است. داستان فیلم براساس کتابی غیر داستانی نوشته شده و به وقایع پس از ۱۱ سپتامبر و دخالت نظامی نیروهای ارتش امریکا در افغانستان می‌پردازد. میچ نلسون (شخصیت اصلی فیلم با بازی کریس همسورث) فرمانده نظامی گروه ۱۲ نفری است که وظیفه دارد به کمک یکی از ائتلاف‌های ضد طالبان به فرماندهی جنگ سالار عبدالرشید دوستم در افغانستان بپردازد تا بتواند مزارشریف را از اشغال نیروهای طالبان خارج کند و نفوذ القاعده بر افغانستان را از بین ببرد. نیروهای امریکایی در نهایت موفق می‌شوند مزارشریف را از اشغال نیروهای طالبان و القاعده خارج کنند و به کشورشان بازگردند.

این فیلم نیز مانند سایر فیلم‌های مشابه در نهایت دو هدف اصلی را در ساحت ایدئولوژیک دنبال می‌کنند، مشروعیت بخشی به دخالت نظامی امریکا در افغانستان و بر ساخت ایماژی قهرمانانه از نیروی نظامی امریکایی و اقدامات جنایتکارانه دولت امریکا. فیلم در حالی شروع می‌شود که ما فرمانده امریکایی (میچ نلسون) را کنار همسر زیبا و فرزند کوچکش مشاهده می‌کنیم. ایماژی که در اینجا بر ساخت می‌شود، تصویری از یک سرباز امریکایی شجاع، جذاب، مهربان و خانواده دوست است. این ایماژ در ادامه به باقی سربازان امریکایی نیز تعمیم داده می‌شود تا در نهایت سرباز امریکایی چنین معرفی شود: مهربان، فداکار، عاشق میهن و خانواده. اما هر اسطوره‌سازی در سینما، نیاز دارد که ضد خود را با منطق شرق شناسانه‌ای تولید کند. بر ساخت چنین ایماژی از سربازان امریکایی با ساخت تصویری به غایت منفی از مردم افغان و نیروهای طالبان تکمیل می‌شود. اسطوره نیروی‌های طالبان، به عنوان عنصر شرور و منفی فیلم همان اسطوره تکراری است که در طی این سال‌ها از سوی رسانه‌ها و سینمای غربی بر ساخت شده است. عنصری بنیادگرا، خشن، فاقد عقلانیت و نادان که پرچم اسلام را نیز یدک می‌کشد. در یکی از سکانس‌های فیلم، نیروهای طالب به استنطاق دختران کوچک و مظلوم افغانی می‌پردازند تا متوجه شوند آیا سواد دارند یا ندارد، هنگامی که متوجه می‌شوند سواد نوشتن دارند، به شکل بی رحمانه‌ای مادر دخترها را می‌کشند و فرمانده آن‌ها به حضار اعلام می‌کند براساس قانون خدا دختران بالای هشت سال اجازه یادگیری سواد ندارند و در صورت عدم پیروی از این قانون، سرنوشتی مشابه خواهند داشت.

این غلیظ‌سازی به منظور بر ساخت ایماژ قهرمانانه از نیروهای امریکایی است که پیش‌تر ذکر شد. برای مثال سکانس مذکور وقتی به طور کامل به این هدف خود می‌رسد که با سکانس‌های دیگر فیلم در نظر گرفته شود. در سکانس‌های دیگری ما شاهد رفتار محبت‌آمیز نیروهای امریکایی با مردم و کودکان افغانی هستیم. برای مثال در سکانسی نشان داده می‌شود در حالی که مردم افغانی وسایل نیروهای امریکایی را می‌دزدند و اقدام به فروش آن‌ها در بازار خود می‌کنند، آن‌ها بدون سخت‌گیری نسبت به آن‌ها وسایل خودشان را مجدداً از آن‌ها می‌خرند. یا در جای دیگر شاهد محبت یکی از سربازان امریکایی با کودک افغانی هستیم که دقیقاً در نقطه مقابل رفتار نیروهای طالبان با کودکان است. البته بماند که شواهد تاریخی، شرح دیگری از رفتار نیروهای نظامی امریکایی با مردم افغانستانی را روایت می‌کند.

سیاستی که معمولاً ایالت متحده امریکا به منظور اقتناع افکار عمومی -چه در سطح داخلی